

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۱۱/۲۱

سید هاشم سدید

## یک جای کار باید لق باشد!



شکی نیست که افغانستان یک کشور اسلامی و مردم آن هم مسلمان (ومتدین) هستند. صدها هزار مسجد در این سرزمین وجود دارد، با صدها هزار گلدسته که هر روز و روز پنج وقت از آنها صدای آذان شنیده می شود و در هر وقت نماز میلیون ها انسان با شنیدن "حی علی الصلاه" و "حی علی الفلاح" وضو گرفته خود را برای ادای نماز و اجرای اوامر الهی آماده ساخته رهسپار مساجد می شوند، آن هم با تعجیل و شتاب؛ و برای این که رستگار شوند؛ یعنی نجات بیابند، ایمن شوند و رها گردن، از هر چه عمل و گفتار و پندار ناپسند و ناروا است و هر گونه شقاوت؛ یعنی اعمال خیر و کار نیک اختیار و پیشه کنند؛ چنانکه در سوره جمعه آمده است: "واقلوا الخیر لعلکم تفلون- کار نیک انجام دهید شاید رستگار شوید".

رستگار شوید، یعنی صفات درونی و بیرونی تان را پاکیزه و نیکو بسازد؛ نیک سیرت، بخشنده، راستکار و متعهد به فضایل نیک و خلق و خوی خوب باشید، و تواضع و انصاف و قناعت و سخاوت پیشه کنید و از دروغ و تکبر و بخل و حرص به مال دنیا احتراز نمایید و...  
صله رحم داشته باشید، که در اسلام بر صله رحم تاکید زیاد شده است، چون یکی از مهم ترین ارکان اخلاق اسلامی می باشد.

و گفته می شود که جامعه اسلامی به دلیل تاکید بر همین فضایل نیک است، که جامعه سالم، اخلاقی و آسمانی خوانده می شود.

در حرف، همه درست است، و در عمل هم تا جایی که مربوط به نماز و روزه میشود، قبول؛ اما آیا واقعا، بین خود هستیم و نباید به خود دروغ بگوییم، جوامع اسلامی، علی الخصوص جامعه خود ما را می توان، با توجه به مقوله های فوق، یک جامعه اسلامی- اخلاقی خواند؟

در جامعه ای که سران سیاسی و دینی و قومی آن هرگز در فکر رستگاری خود و جامعه خود نیستند، چگونه می توان آن جامعه را اسلامی و انسانی نامید؟

در دین فرقی فاحشی میان "صلاة" و "فلاح" نباید وجود داشته باشد، چون هر دو در آذان و در کنار هم، یکی به دنبال دیگری آمده است و هر دو، دو مرتبه تکرار میشوند.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

اگر هر دو مهمند، چرا یکی از سوی وطنداران ما جدی گرفته می شود و دیگری نه؟!  
به تصویر زیر نگاه کنید:  
با دیدن تصاویری، مانند تصور زیر، آیا ممکن است ما جامعه خود را جامعه اسلامی، اخلاقی یا آسمانی و خود را مسلمان بنامیم؟



از حرص به مال و جمع کردن و اندوختن ثروت است، که این چنین انسان هایی در یک کشور پیدا میشوند؛ حرصی که در قرآن به سخت ترین وجه نکوهش شده است. و اگر انصاف و قناعت و سخاوت و صلّه رحم و ترس از خدا باشد، خدایی که از تعدی و ظلم و اسراف و اندوختن مال منع میکند، و مردم هم در عمل رستگار باشند، آیا این چنین صحنه هایی بی نهایت تآثرآور و رقت انگیز در یک کشور، آنهم در یک کشور اسلامی، اخلاقی و آسمانی وجود میداشته باشد؟  
اگر هدف دین، خدای دین و اخلاق در اسلام، سعادت مند و آرام و شاد ساختن همه افراد جامعه است، چرا صد ها هزار کودک و زن و پیر مردی، مانند این پیر مرد مجبور هستند در چنین هوای بارانی و سرد برای زنده ماندن خود و آل و عیال خود یا مادر و پدر پیر خود از الله صبح تا شامی به اصطلاح غریبان برای پیدا کردن یک لقمه نان در کنار جاده نشسته و در آرزوی این باشند و هر لحظه در دل و از خدا استدعا کنند که مشتری ای از این طرف یا از آن طرف برای شان پیدا شود؟ در حالی که سران دینی- سیاسی - قومی و حواریون این سران که دم از قرآن و خدا و پیامبر و اسلام و اخلاق اسلامی می زنند، و هر کدام صاحب سرمایه های بی شماری می باشند، می توانند بدون کدام مشکلی دست آنها را بگیرند، ولی نه به خاطر خدا و نه به خاطر انسانیت و صلّه رحم، دستی دراز نمی کنند تا دست این بینوایان همکیش و هموطن و هموع خویش را بگیرند.  
اگر اخلاق پایه دین و اسلام است، نمی توان، به هیچ صورت چنین جامعه ای را اسلامی خواند؛ با همه دعوا ها!  
شما چه فکری کنید؟ آیا یک جای کار لیک نیست و عیب ندارد؟!